

پیش‌گفته‌ها

حاشیه‌ای بر انتشار خاطرات هنری و سیاسی اسفندیار قره‌باغی

پیشینه «متولد بهمن»

■ **روح‌الله رشیدی***



در جریان جست‌وجوی نام‌های بزرگ و جریان‌ساز هنر انقلاب، با هدف بهره‌گیری از خاطرات و تجارب ایشان در تدوین تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، با شخصیت‌هایی روبرو و شنیدم که باوجوددرخشش

بی‌نظیرشان در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ گمنامی و غربت، روزگار می‌گذرانند. غربتی که ناشی از غلبه نوع خاصی از باور بدیترتی در ساحت فرهنگ و هنر است که به‌واسطه آن توپ‌ها و گاه به تصریح، دوره هنرمندان نسل اول انقلاب، پایان یافته اعلام می‌شود!

با همین نگاه است که «اسفندیار قره‌باغی» با آن لطین پرشکوهِش در وادی موسیقی انقلاب و دفاع‌مقدس در گوشه‌ای از زادگاهش تبریز، به ندریس خصوصی آواز بسنده می‌کند و جز این جایگاهی در عرصه وسیع هنر انقلاب نمی‌یابد. وقتی سراغش رفتم، با وجود قرار گرفتن در استانه ۱۰سالگی و تحمل بی‌مهری‌های مدام، همچنان ایشان را با صلابت دیدیم در ست مثل روزهایی که «امر یک‌بارمکا رنگت به نیرنگ تو» را می‌خواند. آنچه در روزهای نخست از ایشان شنیدیم به‌وضوح نشان داد که در دست آمده‌ایم و اگر بناست منظومه فرهنگ و هنر انقلاب اسلامی سامان یابد، قطعاً بخشی از آن را باید از زبان «اسفندیار قره‌باغی» شنید.

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱، آیین بزرگداشت استاد در تبریز برگزار شد و این آیین فرصتی شد برای بازخوانی زندگی ایشان. در همان ایام مستندی ساخته شد با نام «هدای انقلاب» که برش‌هایی از حیات هنری استاد را به تصویر

می‌کشید. همین برش‌های کوتاه و گذار، اهمیت توجه به خاطرات ایشان را بار دیگر نمایان ساخت. درخواست مصاحبه‌های تفصیلی از جانب استاد قره‌باغی و البته با

گرمی اجابت‌شدن از آذرماه سال ۱۳۹۱ پای صحبت‌های

ایشان نشستم. پیش‌بینی می‌شد که اولاً به دلیل گذشت

سال‌های طولانی از وقایع و ناتیاب و واسطه برشمار بودن

فعالیت‌ها و آثار استاد، بازگویی دقیق و کامل رویدادها، با

به روایت آمده است. امید آنکه مفید آید.



سختی پیش رود. خوشبختانه به اعتبار حافظه قوی و ذهن فعال ایشان، بخشی از دغدغه نخستین مرتفع شد اما مع الاسف، در تصویرسازی کامل و مبسوط از تک‌تک آناری که استاد خوانده و ساخته‌اند، توفیق مان به قدر انتظار نبود. بنابراین آنچه آمد «متولد بهمن» همه حرف‌های اسفندیار قره‌باغی نیست از ۷۰سال زندگی پرماجرا و پرترنم که تنها اشارتی است به قدر مجال ۳۰ساعت گفت‌وگو پیداست که این مجال، برای شنیدن حرف‌های مرد دنیادیده‌ای مانند اسفندیار قره‌باغی کافی‌نمی‌کند. حاصل این گفت‌وگویی محدود را می‌شود تصویری تلخیص‌شده از زندگی این مرد دانست.

کتاب با معرفی پیشینه خانواده قره‌باغی و حکایت مهاجرت بندهای ایران شروع می‌شود تا وجه تسمیه «قره‌باغی» در ابتدا برای مخاطب روشن شود. مانند روایت‌های مشابه، دوره کودکی، نوجوانی و مدرسه، بخش دیگری از مسیر حیات راوی است. راوی در ادامه، نحوه ورودش به هنرستان موسیقی و استخدام در آموزش و پرورش و مأموریت در کرمانشاه به‌عنوان معلم موسیقی را بازگو می‌کند. نزدیک شدن به ایام پرورزی انقلاب اسلامی و حضور در تولید سرودهای انقلابی و نیز ترسیم‌وضعیت فعالیت‌های حوزه موسیقی در اوایل انقلاب، پس‌آغاز فصل ششیمی از فعالیت‌های استاد در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی است؛ فصلی آکنده از حرکت‌جوشش و خلاقیت که هم‌زمان است با مهم‌ترین و عظیم‌ترین رویداد تاریخ معاصر کشور، دفاع‌هشت‌ساله مقدس. شاید یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های این فصل، حوادث و اتفاقات مربوط به حضور راوی در کمیته‌های انقلاب اسلامی باشد؛ آنجا که از فعالیت‌های پلیسی و امنیتی در محلات تهران و ترسور مردم و حزب‌اللهی‌ها توسط منافقین می‌گوید. پایان دفاع‌مقدس، مصادف می‌شود با رکود تدریجی در تولید و نشر موسیقی انقلاب و به این بهانه استاد به صورت نسیی به حاشیه می‌رود و در نهایت به زادگاهش بازمی‌گردد و مقلع تازه‌ای از زندگی‌اش را در تبریز آغاز می‌کند. در فصل پایانی کتاب، راوی از فعالیت‌هایش در تبریز و آثار جدیدش در زمینه موسیقی انقلاب می‌گوید. برای آشنایی بیشتر مخاطب با شخصیت و خدمات استاد قره‌باغی، بخشی از آنچه را که خودشان بازگو نکرده‌اند، در بیان تعدادی از هنرمندان و صاحب‌نظران در بخش «ضمایم» می‌خوانیم. «گنجینه» عنوان فصل مختصری است که به معرفی بخش اندکی از سرودهای ساخته‌شده با صدای استاد قره‌باغی می‌پردازد. در این فصل، متن سرودها همراه اسامی آهنگسازان و سرآورد شده است و تصاویری برگزیده از ادوار مختلف زندگی راوی، انتهای کتاب را شکل می‌دهد.

■ **فراهم آورنده‌اثر**

ساریخ

فکت و کوفه ۸۸۴۹۸۴۷۹



محضر شیخ نجفی

مروری بر خدمات علمی و فرهنگی زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ مهدی غیاث‌الدین نجفی اصفهانی

بر محمل خدمت به خدا و خلق

■ **آیت‌الله حاج شیخ هادی نجفی اصفهانی**

بازخوانی داستان حیات علمانی که

در دیار خویش منشأ خدمات فرهنگی، تربیتی و اجتماعی بوده‌اند، در قلمرو

صفحه تاریخ بوده و هست. در مقالی که

پیش‌روی شماس‌ت، کارنامه زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ مهدی غیاث‌الدین نجفی اصفهانی به مناسبت سالگرد ارتحال آن بزرگوار و توسط فرزند ارجمندش

به روایت آمده است. امید آنکه مفید آید.

■ **میлад**

زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ مهدی غیاث‌الدین نجفی اصفهانی در روز ۲۰ماه صفرالمظفر برابر با ربیع‌امام حسین در سال ۱۳۵۵ برابر با ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ ش در اصفهان متولد گردید. حاج شیخ مهدی بزرگ‌ترین اولاد ذک‌ور والدشان بودند و چند سال طفولیت را در کنار جدشان آیت‌الله ابوالمجد شیخ‌محمدرضا نجفی گذرانده و از ایشان خاطراتی را نقل کردند.

■ **تحصیلات**

به برکت استعداد و نبوغ ذاتی که خداوند به ایشان عطا کرده بود، تحصیل و دانش‌اندوزی را از ایام صباوت شروع نمودند. در دو رشته علوم جدیده و علوم حوزوی هم‌زمان شروع به تحصیل کرده و در هر یک به مدارج عالی‌ه رسیدند که تفصیل هر یک می‌آید.

■ **علوم حوزوی**

تحصیل در علوم دینی‌ه حوزوی‌ه را در زادگاهشان در اصفهان آغاز کردند و مقدمات علوم ادبیه از صرف نحو و منطق را نزد حضرتین شیخ جامی و حاج شیخ غلامعلی حاجی نجف‌آبادی خواندند. پس از آن شرایع، لمعه و مطول را از محضر شیخ امان‌الله قودجانی فراگرفت و برخی دیگر از سطوح را از محضر استادش حاج شیخ محمدحسین قاضل کوهانی بهره برد و منظومه حاجی سبزواری را نزد حاج شیخ فرج‌الله دری متوفی به سال ۱۳۲۸ خواند.

پس از این در سال ۱۳۳۵ش به تهران مهاجرت نمود، در مدرسه سپهسالار تهران حجره گرفت و به تحصیلات خود به طور جدی ادامه داد. چهار سال در تهران نزد اساتید فن از جمله مرحوم محسنی دماوندی سطوح عالی‌ه خود را تکمیل کرد.

در سال ۱۳۳۸ش به اصفهان بازگشت و در دروس خارج فقه و اصول مرحوم پدرشان آیت‌الله حاج شیخ مجدالدین نجفی ۱۴۰۲-۱۳۳۶ق و مرحوم آیت‌الله

آقای حاج سیدعلی بهبهانی حدود ۱۳۹۵-۱۳۰۲ق شرکت کرد و بهره‌ها برد. در علوم حوزوی‌ه خصوصاً در علم فقه و اصول برخی از آیات عظام و مراجع معظم تقلید تصدیق اجتهاد معظم له را نموده‌اند.

■ **تحصیلات جدید**

دبستان را در طفولیت آغاز کرد و در سال ۱۳۲۹ش مدرک ششم ابتدایی خود را از دبستان گرفت و پا به دبیرستان گذاشت، دبیرستان را نیز با جدیت و موفقیت به پایان برد و دیپلم پنج ادبی را به سال ۱۳۳۴ از دبیرستان سعیدی اصفهان اخذ کرد، پس از آن شروع به گرفتن دیپلم ششم ادبی نمود و در خرداد سال ۱۳۳۵ از دبیرستان هراتی اصفهان موفق به اخذ دیپلم شش ادبی یعنی پایان تحصیلات متوسطه شد.

■ **مهاجرت به تهران**

در همان سال ۱۳۳۵ ش برابر با ۱۳۷۵ق برای ادامه تحصیلات به تهران مسافرت کرد. در رشته ادبیات عرب دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران ثبت‌نام نمود و در مدرسه سپهسالار حجره راه نام تواند کلاس‌های دانشگاه را طی کند و هم از اساتید موجود در مدرسه سپهسالار جهت ادامه دروس حوزوی خویش بهره برد. در تمام مدت تحصیل چهارساله در دانشگاه تهران رتبه ممتاز را کسب نموده است.

همچنین در سال سوم دانشگاه رتبه اول را احراز نمودند و این احراز مقام رتبه اول را دانشگاه تهران در نامه شماره ۵۳۴۹۷ در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۲۷ به ایشان ابلاغ کرد. به هر حال در مدت چهار سال تحصیل در دانشگاه تهران از محضر اساتید بزرگ آن وقت دانشگاه تقی‌زاده تبریزی، حاج شیخ میرزا خلیل کفوری، الهی قمشه‌ای، سیدمحسن صدرالشراف، سیدحسن میرزا زاده تبریزی، حاج شیخ میرزا خلیل کفوری، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، شیخ زین‌العابدین ذوالمجدین و دکتر محمود نجم‌آبادی.

و بالاخره در ۲۶مهرماه سال ۱۳۳۸ برابر با ۱۳۷۸ق موفق به گذراندن پایان‌نامه تحصیلی با نمره خوب و اخذ مدرک لیسانس در رشته ادبیات عرب از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران می‌شوند و با توجه به اینکه دانشگاه تهران آماده اعطای بورسیه تحصیل در خارج از کشور به ایشان می‌شود و به خاطر اینکه در خدمت والدشان باشند از آن صرف‌نظر و به

مسجدنور، بازار اصفهان که از کهن‌ترین مساجد این شهر و محل اقامه جماعت توسط حاج آقا نورالله اصفهانی بوده است

■ **مشایخ حدیث**

معظم له از تعدادی از آیات‌الله‌العظام مجاز در نقل حدیث بودند از آن جمله والدشان آیت‌الله‌العظمی آقای مجدالعلمای نجفی.

مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای سیدشهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی و عده‌ای از مراجع معظم تقلید نیز جهت ایشان اجازات امور حسبیه مرحوم فرموده‌اند که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

■ **روایت‌کنندگان از معظم له**

همچنین عده‌ای از اعلام ، بزرگان ، محققان و مؤلفان نیز از ایشان روایت نقل می‌کنند و مجاز شیخ هادی نجفی.

محقق توانا آقای ناصر باقری بیدهندی قمی

آیت‌الله نجفی و کتاب «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»

معظم له پس از فوت مرحوم والدشان آیت‌الله مجدالعلمای نجفی از مرحوم علامه محقق استاد سیدمصالح‌الدین مهدوی خواستار شدند که شرح حالی از پدر و جدشان یعنی مرحوم آیت‌الله ابوالمجد شیخ‌محمدرضا نجفی مرحوم فرماید تا به چاپ برسد.

دست تقدیر چنین خواست که این کار قدری به تأخیر افتد و برای مراسم اولیه آماده نگردد، ولی آیت‌الله نجفی این بار از مرحوم مهدوی خواستند دامنه تألیف را توسعه دهند و از مرحوم جد‌امی اعلام‌یشان آیت‌الله‌العظمی آقای حاج شیخ جعفر نجفی کاشف‌الغطا شرح حال و تراجم‌نویسی را آغاز نمایند و به صاحب هدایه‌المستزددین و همه فرزندان، نوادگان و وابستگان به بیت صاحب هدایه‌بیردازند. به خوبی حقیر که واسطه بین مرحوم پدر و مرحوم مهدوی بدم می‌دیدم که طی تلاشی چندساله کتابی جامع و کامل فراهم آمد که در نوع خود بی‌نظیر است و یکی از کتب مهم و مرجع شرح حال نویسی، تراجم نگاری و تاریخ علمی در ایران بلکه در مذهب شیعه است.

از روز از رحال مرحوم والدشان آیت‌الله‌العظمی اصفهان مانند سعدی، ادب، صامیه، هراتی، فروغ و مراکز تربیت معلم و دانشگاه آزاد، دانشگاه شرکت نفت و برخی دیگر از دانشگاه‌ها را بر عهده داشتند و این تدریس بیش از ۳۰سال ادامه داشت و به خوبی قادر بودند علوم مختلف اسلامی را در مجامع علمی تدریس نمایند و بحث و درس ایشان مورد توجه و عنایت ویژه جوانان و صاحب‌نظران بود.

■ **اصفهان مهاجرت می‌کنند.**

■ **بازگشت به اصفهان و شروع به تدریس**

در سال ۱۳۳۸ ش به اصفهان مراجعت نموده و از بدو ورود به شهر برای جوانان کلاس‌های درس تشکیل داده و در تقویت بنیه دینی و علمی آنها تلاش نمودند.

در این کتاب استاد مهدوی با تالاشی بی‌نظیر تمام آغاز نمایند و به صاحب هدایه‌المستزددین و همه فرزندان، نوادگان و وابستگان به بیت صاحب هدایه‌بیردازند. به خوبی حقیر که واسطه بین مرحوم پدر و مرحوم مهدوی بدم می‌دیدم که طی تلاشی چندساله کتابی جامع و کامل فراهم آمد که در نوع خود بی‌نظیر است و یکی از کتب مهم و مرجع شرح حال نویسی، تراجم نگاری و تاریخ علمی در ایران بلکه در مذهب شیعه است.

در این کتاب استاد مهدوی در صفحه ۳۱ از جلد اول کتاب منذکرم می‌گردد که کتاب به پیشه‌نهاد و امر معظم‌له فراهم آمده و به هر حال کتاب در تابستان ۱۳۶۷ ش در شهر قم مقدسه به همت آیت‌الله نجفی و با مقدمه‌ای به قلم ایشان و در سه مجلد کبیر با جلد زرکوب و در بیش از ۱۵۱۰ صفحه به چاپ رسیده است.

آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی پس از اطلاع از تألیف کتاب و در تجلیل از آن خطاب به آیت‌الله نجفی مکتوبی را ارسال می‌فرمایند.

و در همان هنگام نشر، آیت‌الله استادی در مقاله‌ای در مجله کیهان اندیشه به شماره ۲۶ مهر مورخ ۱۳۷۱-۱۳۶۷ف صفحه (۱۴۶-۱۴۴) به معرفی این کتاب مهم پرداخته و این تعریف در ۴۰ مقاله آقای استادی نیز مجدداً به طبع رسیده است. در یک کلمه، این کتاب امروز یکی از کتب مرجع در تراجم و شرح حال نگاری بلکه تاریخ ایران و اصفهان محسوب می‌شود و این معنی بر اهل فنش مسلم است.

■ **تعمیرات اساسی مسجد نو بازار اصفهان**
مسجد نو بازار اصفهان به دست مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای حاج شیخ‌محمدباقر نجفی اصفهانی معروف به شیخ کبیر تأسیس و در سال ۱۲۹۹ق توسط مؤسسین مهم بود که حتی آخرین احداث آن بر جاساز شد. از بدو تأسیس نیز تاکنون خود آن بزرگوار و فرزندان‌شان در آن به امامت پرداخته‌اند.

از سال ۱۴۰۳ که مرحوم آیت‌الله نجفی امامت مسجد نو بازار اصفهان به دست مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای حاج شیخ‌محمدباقر نجفی اصفهانی معروف به شیخ کبیر تأسیس و در سال ۱۲۹۹ق توسط مؤسسین مهم بود که حتی آخرین احداث آن بر جاساز شد. از بدو تأسیس نیز تاکنون خود آن بزرگوار و فرزندان‌شان در آن به امامت پرداخته‌اند.

از سال ۱۴۰۳ که مرحوم آیت‌الله نجفی امامت مسجد نو بازار اصفهان به دست مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای حاج شیخ‌محمدباقر نجفی اصفهانی معروف به شیخ کبیر تأسیس و در سال ۱۲۹۹ق توسط مؤسسین مهم بود که حتی آخرین احداث آن بر جاساز شد. از بدو تأسیس نیز تاکنون خود آن بزرگوار و فرزندان‌شان در آن به امامت پرداخته‌اند.

از سال ۱۴۰۳ که مرحوم آیت‌الله نجفی امامت مسجد نو بازار اصفهان، احداث یک کتابخانه است در فضایی قریب به ۱۵۰متر مربع که ساختمان آن را نو ولی به شکل مابقی مسجد به طرح باستانی ایجاد نمودند و امر فرمودند تمامی کتاب‌هایشان نیز مهروقف کتابخانه بخورد و به آنجا منتقل گردد تا از آن استفاده عام شود.

در حال حاضر این کتابخانه در اصفهان به مراجعان خود خدمات می‌دهد و از نظر کیفیت کتب موجود در سطح بالایی قرار دارد و در نوع خود ممتاز است و هر طالب علمی را در علوم مختلف اسلامی مانند فقه، اصول، حدیث، رجال، تفسیر، تاریخ، لغت، ادبیات، کلام، فلسفه، عرفان و اخلاق می‌تواند سیراب کند و گمشده خویش را در میان کتب آن بیابد. بنا بر وصیت ایشان نیز محل دفنشان داخل این کتابخانه قرار گرفت و مراجعان ابتدای ورود برای مؤسس محترم آن فاتحه‌ای می‌خوانند و بعد مشغول استفاده از کتب می‌شوند.

■ **طبع کتب نیاکان و بزرگان**

مرحوم آیت‌الله نجفی عنایت ویژه‌ای به نشر کتب و آثار ارزشمند دینی در زمینه‌های مختلف داشتند و از آرزوهای ایشان نشر کتب و آثار بزرگان مذهب بوده است.

خود در این راه گام‌های بلندی را با همت

ساریخ

عالی‌شان برداشتند و آثاری را در زمینه‌های فقه‌اصول، تفسیر، ادبیات، تراجم و شرح‌حال از نیاکانشان یا دیگر بزرگان مذهب احیا نمودند و بر برخی از آنها مقدمات سودمندی نگاشتند که اگر این مقدمات در مجموعه‌ای فراهم آید، خود مجلدی زیبا در علوم مختلف خواهد بود. در هر صورت متجاوز از ۲۰اثر به این ترتیب به همت معظم له در طول حیاتشان احیا شد و برای نسل بعدی به عنون ودیعه و امانت به یادگار ماند تا از آن بهره برند.

■ **تأسیس مدرسه و حسینیه**

معظم له موفق شدند در تأسیس چند باب مدرسه برای جوانان نیز مشارکت داشته باشند، بلکه برخی از این مدارس زیر نظر شخص ایشان و با نظارت عالی‌ه معظم له بنیاد گذاشته شد و نیز موفق به تأسیس مسجد و حسینیه حضرت ابوالفضل واقع در خیابان رابط محله کساره کوی سپاس در اصفهان شدند که به همت جمعی از مؤمنان کار ساختمان آن به اتمام رسید.

■ **اقامه مجالس عزاداری اهل بیت(ع)**

از جمله اموری که آیت‌الله نجفی بر آن تأکید فراوان می‌کردند، اقامه مجلس عزای سیدالشهدا اباعبدالله‌الحسین است. نه تنها ایشان در مسجد نو بازار در تمام دهه عاشورا مجلس عزاداری برپا می‌نمودند و مفید به شرکت در آن بودند، بلکه تمام ایام شهادت ائمه اهل‌البیت را مجلس عزای اقامه می‌نمودند و خود نیز در مجلس مذکور شرکت می‌کردند. این احیای مراسم عزاداری ائمه اهل بیت یک سنت حسنه‌ای است که در مسجد نو بازار اصفهان از این مرد بزرگ به یادگار مانده است و مجلس روضه و عزاداری ایام شهادت اهل بیت به توفیق الهی و این مسجد همچنان اقامه می‌شود.

سه روز قبل از تحالشان با حال کسالت و بیماری، مجلس عزاداری اربعین سیدالشهدا را اقامه نمودند و اتفاق عجیب اینکه مراسم ختمشان با ایام شهادت رسول‌الله و سبط اکبر امام حسن مجتبی و روز هفت معظم له با روز شهادت علی‌بن موسی‌الرضا مصادف شد و این نبود مگر مزی که ائمه اهل بیت به ایشان عنایت فرمودند که مجالس عزای معظم له نیز در این ایام عزای اهل بیت اقامه شود.

■ **قضای حوائج مؤمنان**
یکی از اموری که آیت‌الله نجفی بر آن اصرار داشتند از جوانی مقید بدان بودند، قضای حوائج مؤمنان بود. هر مؤمنی که به ایشان عرض حاجتی می‌آورد تا آنجا که از دست، زبان، قلم و قدم ایشان برمی‌آمد در رفع حاجت او تلاش و این امر را از عبادات مهم تلقی می‌نمودند.

■ **پدری که من شناختم**

اگر صاحب این قلم که خود فرزند ایشان و یکی از هزاران شاگرد او است، به خود جرئت بدهد و بخواهد معظم له را در جمله‌ای وقف نماید و بر گفته خویش نیز خواند را شاهد بگیرد چنین می‌تواند بگوید: «پدری که من شناختم عمری مردم‌جو، جوانان و اجتماع را دعوت به خداندین‌کتاب و خادرسول خدا و ائمه‌هدی(ع) نمود و در این راه نیز جز به خدا به احدی تکیه نکرد و جز به خدانیز امیدی نداشت.»

مگر به یاد دارم که می‌فرمود: «ای فرزند! اگر به خاطر خدا باشد، خداوند تبارک و تعالی خودش امور را درست خواهد کرد و توکل بر خداوند باید کرد و با خدا رفتار را داریم.»

■ **رحلت در راه نماز**

روز پنج‌شنبه ۲۳ماه صفر ۱۴۲۲ برابر با ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۰ آیت‌الله نجفی در حالت کسالت قلبی جهت اقامه فریضه ظهر و عصر به جماعت حاضران مسجد نو بازار می‌شوند که اجل محتوم فرامی‌رسد و معظم له قبل از ظهر ندای ارجمی را لبیک می‌گویند و به جوار رحمت حق می‌تسلیب.

■ **تقسیم، تشییع و تدفین**

جسم مطهر ایشان به منزل معظم له منتقل گردید و در نیمه شب جمعه توسط جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدمحمد میرندهی غسل داده و با اجرای تمام آداب شرعیه کفن شد.

صبح روز جمعه ۲۴ صفر ۱۴۲۲ کالبد مطهر از منزل به مسجد جامع عباسی (امام) اصفهان منتقل گردید و در مسجد امام با جمعی عزادار و انبوه حاضران از علوی آنها صفی از علمای اعلام آیات بسته شده بود، نماز بر پیکر معظم له توسط آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ محمد تقی مجلسی اقامه گردید. پس از آن کالبد مطهر در معماری گذاشته و از مسجد امام روی سر و دست جمعی عزادار مشیعین تا مسجد نو بازار تشییعی شایسته انجام گردید.

با ورود جنازه مطهر به مسجد نو بازار، عزاداری توسط مردم در مسجد مجدداً آغاز شد. کالبد را به داخل شبستان مسجد منتقل نمودند و شروع به خواندن زیارت عاشورای اباعبدالله‌الحسین و روضه و مداحی و عزاداری نمودند و بعد از قریب ساعتی جنازه بر اساس وصیتی که فرموده بودند به کتابخانه‌ای که خود در جوار مسجد نو بازار تأسیس نموده بودند منتقل شد و در محلی که از قبل معین کرده بودند به خاک سپرده شد.

■ **تسلیت مراجع معظم تقلید مدظلمهم**

پس از انتشار خبر ارتحال آیت‌الله نجفی از طرف آیات عظام و مراجع معظم تقلید پیام‌های تسلیتی حضوری یا به صورت فکس و تلفن جهت تعزیت حقیر به عنون فرزند ایشان صادر گردید که این مصیبت عظمی را به بقیه‌الله‌اعظم ، حوزه علمیه اصفهان ، مردم این شهر و بیت معظم له تسلیت گفته بودند.

آیت‌الله حاج شیخ مهدی غیاث‌الدین نجفی. در کنار حجت‌الاسلام والمسلمین حاج مهدی مظفری